



۲۰۱۴/۱۰/۰۱

محمد علی سمیع

## اشرف غنی و تقرر اتمر و زاخیلوال!

رئیس جمهور منتخب ما اشرف غنی احمد زی از کلمه شر و فساد که شعار مبارزه طالبان بود، در صفحه فیسبوک خود استفاده کرده است و در عین حال مردم از تقرری حنیف اتمر و حضرت عمر زاخیلوال که دو چهره بلند رتبه حکومت حامد کرزی بودند، در اطراف رئیس جمهور جدید به صفت مشاورین عرصه ها خبر می شوند و مطابق به برداشت ها و گرایش های سیاسی و ... خود تحلیل و گفت و گو و حتی تشویش هم می کنند.

طالبان هم بر ضد شر و فساد حرکت کرده بودند، اما مشکل در این بود که هیچ کسی را از حکومت های گذشته بر جا نگذاشتند و شر اندازان و فساد پیشگان را چنان تار و مار کردند که هیچ کس و هیچ چیزی باقی نماند. این کار ایشان را آیا ما ستایش می کنیم؟ به تحقیق که نه!

"اسب گادی را اگر لجامش رها باشد، پس گادی را به هر طرف که میلش باشد خواهد برد، اما اگر گادیوانش درست و کار فهم و راه بلد باشد پس اسب گادی را به راهی میبرد که منزل مقصود باشد! یعنی مشکل در کارمندان بلند رتبه قدیم وجود نداشت بل در شیوه رهبری امور داخلی و تشکیل تخنیک حکومت حامد کرزی وجود داشت.

تقرری حنیف اتمر و حضرت عمر زاخیلوال را من قدم نیک در راستای از بین بردن شر و فساد می دانم، زیرا ما افغان ها با ایشان مشکل نداریم، تنها با شر و فساد مشکل داریم و اگر گادیوان ما خوب باشد پس کار به بی راهه نمی کشد.

اگر همچو گذشته، همه را تار و مار کنیم، پس تفاوت میان متفکر دنیا و جنگ سالار چی شد؟ ما را سبب به کار است خدا کند که از درخت بید باشد.

مبارزه ما با پدیده شر و فساد می باشد که توسط مدیریت سالم از بین می رود نه در برابر حنیف اتمر و زاخیلوال و یا هم به نحوه دیگر با پشتون و تاجک و هزاره و ازبک و ...

همه می توانند و حق دارند در نظام باقی بمانند زیرا ادامه کار بدون استفاده از مامورین قدیم به همان نظام های مجاهدین و طالب می ماند که روز اول کار شان ادامه یک نظام استوار بر موافقت ها و تجارب اداری و عملی قبلی نبود، بل ادامه نابودی تدریجی شان بود زیرا نظام تا هنگامی که تسلسل با گذشته خود نداشته باشد پس تداومش ناممکن می باشد و زود نابود می گردد.

اداره همیشه بر مبنای موافقت ها و تجارب قبلی استوار می باشد که بخش نظری آن در اسناد و کتاب های حکومت ثبت می باشد و بخش عملی آن در ذهن و خاطره مأمورینی که عملاً آنها را اجراء کرده اند و برای بار دوم ضرورت به آموختن و تجربه کردن و در جریان تجربه به اشتباه کردن ضرورت ندارند زیرا ایشان خود تحلیل و تجزیه تمام کار کرد های گذشته هستند.

تیمور لنگ می گوید "سستی و نالایق بودن سرباز باز تاب سستی و نالایق بودن قوماندان آن می باشد"، پس ما نباید به نابودی مأمورین خود بپردازیم، بل به ریفورم سیستم و تبدیل سطح رهبری بپردازیم تا این که تمام کارمندان نظام از یک سو در امن باقی مانند و از سوی دیگر خرابی ها و ضعف های نظام نیز نابود گردد.

بنابراین از هموطنان عزیز باید احترامانه خواهش کرد تا اندک از صبر و شکیبایی کار گیرند و بگزارند تا داکتر صاحب اشرف غنی احمدزی رئیس جمهور منتخب کشور ما که در عین حال بزرگ ترین متفکر دنیا در عرصه رشد کشور های از پا افتاده و بیچاره می باشد، به فکر آرام به برنامه های خود بپردازد.

اگر چه این کار برای کشوری که حدود چهل سال بعد از هر اعتبار و باور، به نا امیدی تمام روبرو شده، خیلی مشکل و حتی نا ممکن می باشد که از صبر و شکیبایی در چنین موارد کار بگیرد، اما باز هم.

شعار تیم ما، "تحول و تداوم" بوده نه حذف و پاشان سازی سر تا سری کارمندان و مأمورین حکومتی، زیرا در آنصورت هر یک از مأمورین حکومت ما به نحوی در شر و فساد های گسترده و سازمان یافته سیزده سال گذشته دخیل می باشند، یا مستقیم و یا هم غیر مستقیم که جناب حنیف اتمر و عمر زاخیلوال هم جزء همان حکومت بودند، اما نباید فراموش کرد که ایشان برای اصلاح سازی نظام به پا خاسته اند و بدون شک که مشکلات داخلی نظام را

افراد داخل نظام از همه خوبتر و بهتر درک و شناسائی می تواند. پس اگر زمین ما حاصلی درست نمی دهد پس باید تغییر در شیوه کشت وارد کرد، نه اینکه زمین را بر باد داد.

این تحولی هست که بدون انقلاب آمده، به همین لحاظ روی تداوم نظام می پیچد. این تحول، تغییرات و اصلاحات گسترده را برای کشور عزیز ما افغانستان به ارمغان خواهد آورد.

ما از تاریخ خود آموخته ایم، در تاریخ ما حرکت های انتقادی همیشه برای از بردن و سر نگون کردن روند جاری در کشور بوده نه برای اینکه نقاط ضعف روند جاری را با انتقاد های علمی و عملی دور سازد تا حرکت و ادامه روند، بهتر و مهتر گردد که در نتیجه بار بار نظام های استوار و مستحکم خود را از بیخ و بن بر چیدیم و بعد چنان ناکام شدیم که هیچ نگو.

بناء! تیم تحول و تداوم آمده است تا مدیریت و اداره سالم نماید، در حقیقت تحول یعنی روند درست و علمی کشور داری که بعد از فروپاشی رژیم طالبان در حکومت های افغانستان وجود نداشته، به همین خاطر هر آن کسی که در نظام وظیفه اجراء کرده، بنا بر دلایل فوق نتوانسته اند جلو فساد را بگیرند که در نتیجه حتی نام و نشان خود ایشان در خطر افتاده است چنانکه امروز از تقرر دو شخصی که در سیزده سال گذشته مصروف خدمت در ارگان های گوناگون حکومتی بودند مردم در فکر و اندیشه افتاده اند.

به عنوان آخرین جمله باید نوشت که ما باید حکومت و حکومت داران قدیمی خود را برای استفاده از اصل داشتن موافقت قبلی و برای ادامه مدیریت و اداره تسلسلی حفظ و با افزودن اصلاحات و مدیریت سالم به تداوم داشته های قبلی خود و به رسیدن آینده های بهتر پردازیم نه اینکه تمامی مأمورین و کارمندان قدیمی را همچو حرکت های انقلابی و خونین از بین ببریم و نظام جدیدی بسازیم که بقای آن حتی برای خود ما هم غیر قابل تصور باشد.

محمد علی سمیع بوداپست - هنگری

---

د پانو شمیره: له ۲ تر ۲

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ